

(مقاله پژوهشی)

مطالعه علل و پیامدهای مسائل اخلاقی در انتقال چمدانی کالا از قشم به تهران توسط زنان

احسان رحمانی خلیلی^۱، عصمت حسینی^{۲*}

چکیده

تحقیق حاضر، با رویکرد تفسیرگرایی و روش‌شناسی کیفی، به پرسش‌های "علل ایجاد مسائل اخلاقی در انتقال چمدانی کالا چیست و چه پیامدهایی برای زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان دارد؟" پاسخ می‌دهد و این کار را از طریق جمع‌آوری داده‌ها تا به اشباع نظری به وسیله ۵۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در میان ۳۰ زن انتقال‌دهنده و ۲۰ کارشناس که به‌روش هدفمند و گلوله‌برفی تعیین شده‌اند، انجام می‌دهد. داده‌ها بر مبنای نظریه زمینه‌ای استراس و کوربین، تجزیه و تحلیل و در کدگذاری باز، ۹۶ مفهوم و ۹۱۷ دلالت مفهومی، در کدگذاری محوری، ۲۶ مقوله و در کدگذاری انتخابی، مقوله هسته‌ای "گسیختگی اخلاقی/پابندی اخلاقی" تعیین شد. پاسخگویان کارکرد متناقض انتقال چمدانی را با پیامدهای مثبت: پابندی به اصول اخلاقی و حفظ زندگی آبرومندانه و پیامدهای منفی: عدم پابندی به اصول اخلاقی، استفاده ابزاری از روابط نامشروع و قضاوت نادرست درباره همه زنان انتقال‌دهنده ارزیابی کرده‌اند. در مدل زمینه‌ای نیز، مشکلات روحی و خانوادگی، نبود فرصت شغلی، عدم رسیدگی به اقشار محروم، نیاز مالی، اجبار، تأمین مخارج زندگی و ایجاد رفاه "شرایط علی" و هزینه انتقال و سفر، سختی انتقال و مسیر و خرید، تخلف گمرک و راه‌آهن و فساد اداری و دولتی "شرایط زمینه‌ای" و عدم افشای حقایق از سوی زنان، عدم امنیت اخلاقی، رونق تن‌فروشی در قشم و زمینه مسائل غیراخلاقی "شرایط مداخله‌گر" در ایجاد پیامدهای اخلاقی انتقال چمدانی شناخته شدند. نتایج به‌خوبی نشان می‌دهد انتقال چمدانی برخلاف تصور عموم تنها پیامدهای اخلاقی منفی ندارد، بلکه پیامدهای اخلاقی مثبت هم بر آن مترتب است. انتقال چمدانی به‌مثابه ابزاری دولبه عمل می‌کند، از یک طرف می‌تواند بستر ساز گسیختگی اخلاقی باشد برای تمامی اقشار مرتبط با آن، و در مقابل می‌تواند راهی باشد جهت حفظ سلامت اخلاقی زنانی که حاضر به تن‌فروشی نیستند و راهی جز انتقال چمدانی برای تأمین معاش خود ندارند.

کلیدواژه‌ها

قاچاق، تجارت چمدانی، زنان انتقال‌دهنده، پیامدهای اخلاقی، کارکرد مثبت

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. Ehsan5171@gmail.com

۲. فارغ التحصیل دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول).

E.hosseini50@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

مقدمه و بیان مسئله

قاچاق بخشی از اقتصاد غیررسمی است که در آمارهای کشور ثبت نمی‌شود. این پدیده که ابعاد متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد، خود معلول علل بسیاری از جمله بیکاری، گریز از پرداخت مالیات، موانع تعرفه‌ای، مرزهای گسترده جغرافیایی و فرهنگ مصرف کالاهای خارجی است. اثر منفی بر درآمدهای عمومی دولت، خروج ارز، وقفه در روند توسعه، کاهش تولید داخلی و میزان اشتغال نیز از جمله پیامدهای منفی قاچاق به‌شمار می‌روند. ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه، به‌دلیل مرزهای طولانی، موقعیت جغرافیایی، برخورداری از بازار مصرف گسترده، عدم هماهنگی و برنامه‌ریزی جامع برای مقابله با قاچاق، با این معضل روبه‌رو است و به‌طبع از آثار سوء آن در امان نیست. با توجه به آخرین آمار ستاد مبارزه با قاچاق کالا در سال ۹۷، کل قاچاق ورودی ۱۲/۱ میلیارد دلار و قاچاق همراه مسافر ۵ میلیارد دلار برآورد شده است (ستاد مبارزه با قاچاق کالا ۱۳۹۸) که حجم بسیار بالایی را شامل می‌شود.

قاچاق در مقیاس کلان از طریق مکانیسم‌های جزئی‌تری از جمله "چتربازی" صورت می‌پذیرد؛ فعالیت چتربازان بعد از ورود کالا به داخل کشور انجام می‌گیرد (نمک‌شناس ۱۳۸۳). آنان اقدام به تبدیل کالاهای کلان به‌شکل خرد و جاسازی آنها کرده (بیابانی و هادیان‌فر ۱۳۸۶)، سپس این محموله‌ها را با استفاده از اتوبوس‌های مسافربری و کامیون، از شهرهای مرزی یا مناطق آزاد به استان‌های مرکزی انتقال می‌دهند. برخی از اقلام کالاهای قاچاق نیز به‌دلیل داشتن وزن و حجم کم، به‌عنوان ملزومات سفر در چمدان مسافرتی جاسازی می‌شوند (سیف ۱۳۷۸). این نوع انتقال چمدانی کالا در پوشش کالای همراه مسافر، که زیرمجموعه چتربازی به‌شمار می‌رود، یکی دیگر از روش‌های قاچاق در مقیاس کوچک است که از آن به‌عنوان "تجارت چمدانی" یاد می‌شود. از این‌رو، دو پدیده قاچاق و تجارت چمدانی تقریباً ابعاد، علل و پیامدهای مشابهی خواهند داشت. تجارت چمدانی تا حدودی پتانسیل رونق بخشیدن به صادرات و واردات کشور را دارد و علاوه بر آن اشتغال‌زایی این نوع تجارت که مشمول عوارض گمرک و مالیات نمی‌شود، دارای اهمیت زیادی است، اما در مقابل، اگر این انتقال تنها در جهت واردات باشد، همچون مسئله قاچاق، پیامدهای سوء عدیدهای به‌همراه خواهد داشت. لازم به توضیح است که تجارت چمدانی در همه دنیا متداول است. این پدیده بیشتر یک موضوع خودجوش و زاییده بحران اقتصادی است (خدنگ ۱۳۹۴). تجارت چمدانی کالا در ایران، بیشتر در انتقال کالا از مناطق آزاد و مرزی به مناطق مرکزی کاربرد دارد؛ چراکه مناطق آزاد کشور، کارکرد اصلی خود را از دست داده و به‌صورت یک پایگاه قاچاق کالا به داخل تبدیل شده‌اند (کامران ۱۳۸۱).

در این میان، بندرعباس در استان هرمزگان به‌دلیل ساحل طولانی (کریمی‌پور و محمدی ۱۳۸۰) و وجود دو منطقه آزاد تجاری کیش و قشم بیشتر مستعد این نوع قاچاق کالا است. این پدیده، به‌ویژه در قشم، با برخورداری از معافیت ۸۰ دلاری از طریق صدور سهمیه ماهانه برگ سبز، ملموس‌تر است، به‌طوری‌که روزانه تعداد زیادی از زنان اقدام به انتقال چمدانی از قشم به سایر شهرهای مرکزی

می‌کنند. در بین آنها، تعداد زنان انتقال‌دهنده از قشم به تهران به دلیل وجود بازار مصرف بزرگ در این کلان‌شهر، همچنین مسیر ریلی تهران به بندرعباس، قابل توجه است. این انتقال چمدانی کالا که جزئی از چرخه کلی قاچاق محسوب می‌شود، علاوه بر اثرات جبران‌ناپذیر بر اقتصاد و توسعه کشور که شرح آن در بالا ذکر شد، پیامدهای اخلاقی متعدد و ناگواری دارد. طی این مسیر طولانی در کنار به‌همراه داشتن چمدان‌های حجیم و سنگین به‌لحاظ جنسیتی برای این گروه از زنان مخاطره‌آمیز است. مشاهدات اولیه و اکتشافی در رابطه با این مسئله نشان می‌دهد، زنان شاغل در این مسیر در واقع زنان سرپرست خانوار هستند که هم تأمین معاش مادی و نیازهای معنوی سایر افراد خانواده را به‌عهده دارند و نیز زنانی که به‌دلیل طلاق، فوت یا ناتوانی پدر و همسر، سرپرستی و اداره امور خود را برعهده دارند (هنردوست ۱۳۹۷).

با توجه به حجم بالای انتقال چمدانی، همچنین طولانی بودن مسیر و مشکلاتی که این زنان به‌لحاظ جنسیتی در این مسیر با آن مواجه هستند، انتقال چمدانی یک مسئله قلمداد می‌شود. این انتقال چمدانی که زمینه‌های مختلفی در شکل‌گیری آن نقش دارد، قطعاً پیامدهای اخلاقی عدیده‌ای برای خود زنان انتقال‌دهنده، خانواده‌هایشان و سایر اقشار جامعه که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم با آن درگیر هستند، به‌همراه دارد. بدین جهت تحقیق حاضر بر آن است تا با رویکرد تفسیری و روش کیفی بربنای گراندتئوری به بررسی پیامدهای اخلاقی انتقال چمدانی کالا از سوی زنان در مسیر ریلی قشم به تهران بپردازد و به این پرسش‌ها پاسخ گوید: "علل ایجاد مسائل اخلاقی در انتقال چمدانی کالا از سوی زنان از قشم به تهران چیست و چه پیامدهایی برای زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان دارد؟"

پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه قاچاق کالا، تحقیقات بسیار زیادی انجام شده است؛ به‌جهت اختصار به یکی از آنها اشاره می‌شود. تحقیق رومینا (۱۳۹۳) با عنوان "تبیین نظری قاچاق کالای ورودی و مدیریت آن در کشورها" و نتایج تحقیق نشان می‌دهد هر زمان نیازهای شهروندان ساکن یک فضای جغرافیایی از طریق مبادی رسمی و قانونی برطرف نگردد، عاملان قاچاق اقدام به نقل و انتقال کالا از مبادی غیررسمی و به‌صورت غیرقانونی می‌کنند.

بررسی کتب و تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد تاکنون هیچ پژوهش علمی به بررسی این انتقال چمدانی نپرداخته است؛ چرا که اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه قاچاق کالا، به این پدیده در سطح کلان توجه کرده و از مکانیسم‌های خردی که قاچاق از طریق آنها اعمال می‌شود غافل بوده‌اند. همچنین تمرکز آنها بر مناطق مرزی و مبدأ ورود کالاهای قاچاق، سبب نادیده گرفته شدن چگونگی فرآیند انتقال کالای قاچاق از مرزها به بازار مصرف در شهرهای پرجمعیت و مرکزی شده است. علاوه بر آن، رویکردهای این تحقیقات بیشتر، اثباتی است و با روش کمی و از طریق پیمایش به

بررسی علل، پیامدها و آرایه راهکارهای این مسئله پرداخته‌اند. از این‌رو نتایج این تحقیقات، مشابه و تکراری و همچنین بسیار انتزاعی و در سطح ساختارهای جامعه هستند.

نکته مهم دیگر اینکه، نقش زنان در مسئله قاچاق کالا، به‌جز در یک تحقیق که معنایی (۱۳۸۳) با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به کار واسطه‌گری و قاچاق کالا و پیامدهای اجتماعی- فرهنگی آن" انجام داده که آن نیز در رابطه با فعالیت زنان چتر باز است و نه زنان انتقال‌دهنده چمدانی، مورد توجه قرار نگرفته است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که عوامل فقر اقتصادی، بی‌سوادی و کم‌سوادی، سودآوری، تشویق و تحریک دیگران، ضعف مبانی اعتقادی، کمبود اجناس و بالابودن تقاضای جامعه، ضعف کنترل مأموران و آغاز فعالیت مناطق آزاد، از عوامل مؤثر در گرایش زنان به کار واسطه‌گری و قاچاق کالا هستند.

از دیگر موضوعاتی که در رابطه با قاچاق کالا مورد بی‌توجهی قرار گرفته، پیامدهای مثبت این پدیده است. مرور تحقیقات نشان می‌دهد تمام پژوهش‌های انجام‌شده، تنها بر وجهه و پیامدهای منفی قاچاق تمرکز کرده‌اند. در این خصوص، در پیشینه خارجی، مایکل کونولی^۱، جان دورو^۲ و ماریلوز کورتز^۳ (۱۹۹۵) در مقاله‌ای با عنوان "مسئله تجارت خارجی: قاچاق و رفاه در پاراگوئه" تأثیرات قاچاق بر تخصیص منابع و رفاه را در پاراگوئه بررسی کرده‌اند. در این تحقیق، آنها به بررسی نظرات بهاواتی^۴ و هانسن^۵ (۱۹۷۳) پرداخته‌اند. بهاواتی و هانسن نشان دادند که تجارت غیر قانونی، در صورت وجود تجارت قانونی و غیرقانونی به‌صورت هم‌زمان، سبب کاهش رفاه می‌شود. آنان در نهایت اثبات کرده‌اند که اگر واردات غیرقانونی برای مصرف داخلی باشد، باعث کاهش رفاه و اگر صرفاً جهت عبور از پاراگوئه و انتقال به کشورهای دیگر باشد، سبب افزایش رفاه می‌شود.

در رابطه با پیامدهای مثبت قاچاق، مارگارت سال نایجر^۶ (۲۰۱۴) نیز، در مقاله‌ای با عنوان "زنان و هنر قاچاق به بررسی فعالیت زنان قاچاقچی در استان جنوب غربی کامرون می‌پردازد. او در این مقاله استدلال می‌کند که با وجود وجهه عموماً منفی قاچاق و محدودیت‌ها و مشکلات زیادی که زنان در این راه متحمل می‌شوند، این شیوه غیرمعمول و ناصحیح تجارت، اثرات مثبتی بر زندگی زنان کارآفرین دارد.

در خصوص بیشتر بودن آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار نیز معیدفر و حمیدی (۱۳۸۶) در پژوهشی به مشکلات زنان سرپرست خانوار از زبان خود آنها پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که زنان سرپرست خانوار، به‌عنوان قشری آسیب‌پذیر، با مسائلی از قبیل ناامنی بدن و مخدوش شدن روابط اجتماعی، مشکلات اقتصادی، مشکلات عاطفی، مشکلاتی با خانواده و فرزندان و بسیاری دیگر از

-
1. Connolly, Michhael.
 2. Deveraus, John.
 3. Cortes, Mariluz.
 4. Bawatti
 5. Hansen
 6. Margaret Niger

محدودیت‌ها روبه‌رو هستند که دامنه آنها به فرزندان و خانواده نیز آسیب می‌رساند.

چارچوب مفهومی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیق کیفی است و بر مبنای نظریات سازماندهی نمی‌شود. با این وجود با توجه به نقش نظریه در تحقیق کیفی به لحاظ ایجاد حساسیت نظری-مفهومی، اصل غنای اطلاعاتی، الهام‌بخش در فرآیند تفسیر داده‌ها و راهنمای عمومی تحقیق، به تدوین چارچوب مفهومی، اقدام شد (محمدپور ۱۳۹۰).

از نظر پارسونز^۱، در هر جامعه به‌منزله نظام اجتماعی، چهار خرده‌نظام: زیستی، شخصیتی، فرهنگی و اجتماعی به ترتیب برای تأمین چهار کارکرد: تطابق با محیط، دستیابی به هدف، حفظ الگوها و یکپارچگی بروز می‌کنند (کرایب ۱۳۷۸). به دلیل همبستگی کل نظام، زمانی که یک نظام دچار اختلال در کارکرد شود، بحران از سطحی به سطح دیگر انتقال می‌یابد، در نتیجه کل نظام در بحران قرار می‌گیرد. بر اساس نظر مerton^۲، کارکردها عبارت‌اند از: عملکردهایی که تطبیق یا سازگاری یک نظام اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازند (ریترز ۱۳۸۶). وی مفاهیم کارکردهای آشکار، پنهان، مثبت و منفی را ابداع کرد (آزاد ارمکی ۱۳۸۹)؛ مerton در نظریه فشار ساختاری، تضاد میان اهداف فرهنگی و وسایل قانونی رسیدن به اهداف را منشأ آنومی و رفتارهای انحرافی دانسته است (گیدنز ۱۳۸۷). در چنین شرایطی، افراد یک جامعه برای برآوردن اهدافشان از طریق به‌کارگیری شیوه‌های پذیرفته‌شده فرهنگی و راه‌های قانونی، ناکام شده، به‌سوی راه‌های غیرقانونی و انحرافی کشیده می‌شوند (اسکیدمور ۱۳۷۲). در این رابطه، او چهار سنخ به‌هنجار و اگر، شورشی، آداب‌گرا و نوآور را تعریف می‌کند (تنهایی ۱۳۷۴). دورکیم^۳ معتقد است همواره در جوامع، هنجارهای اخلاقی برای تنظیم و هدایت رفتار کنشگران وجود دارد، اما تحت شرایط خاصی نظیر بحران‌های اقتصادی، این هنجارها جنبه کنترل و تنظیم‌کنندگی خود را از دست می‌دهند و افراد جامعه منفعت شخصی خود را از منافع عمومی جدا دانسته، این امر زمینه را برای رفتارهای انحرافی آماده می‌کند (گیدنز ۱۳۸۷). در نتیجه این شرایط، بحران اجتماعی و ازهم‌پاشیدگی اجتماعی پیش می‌آید و پیوندهای گروهی فرد تضعیف می‌شوند (آرون ۱۳۷۲). از دیدگاه آمارتیا سن^۴، آزادی فرصت‌های اقتصادی بدان معناست که همه مردم بدون هیچ‌گونه مانعی بتوانند به فعالیت‌های اقتصادی مد نظر خویش بپردازند (سن ۱۳۸۳). وجود هر نوع نآزادی با دو پیامد همراه است: منافع گروه‌هایی اندک و زیان اکثر مردم. نتیجه این روند، فعالیت‌های غیرقانونی را در پی خواهد داشت. از طرف دیگر، عدم وجود آزادی فرصت‌های اقتصادی سبب می‌شود افراد جامعه نتوانند به فعالیت‌های اقتصادی مناسب بپردازند و در صورت وجود زمینه مساعد جهت رفع نیازهای اقتصادی

1. Parsons, Talcot.
2. Merton, Robert. K.
3. Durkheim, Emile.
4. Sen, Amartya.

خود اقدام به فعالیتهای غیرقانونی کنند. پس عدم وجود آزادی فرصتهای اقتصادی هم دلیل به وجود آمدن فعالیتهای غیر قانونی است و هم علت گرایش افراد به آن. فرایند توسعه ناپایدار و ناموزون جامعه ایران به دلیل ناموزونی ارکان و مؤلفه‌های بنیادین تشکیل‌دهنده آن است (سیفالهی و حافظ امینی ۱۳۸۸). این شرایط توسعه ناموزون، همواره مشکلات و چالش‌های گسترده و اساسی زیادی چون گسترش جرم، انواع قانون شکنی‌ها و قانون‌گریزی‌ها را به دنبال داشته است. نایلز هانسن^۱، عدم تعادل منطقه‌ای بین مناطق مرزی و مناطق مرکزی را مطرح کرده است (عندلیب ۱۳۷۹). از نظر او، ناهمخوانی اهداف سیاسی و اقتصادی در مناطق مرزی، سبب شده مناطق مرزی آسیب‌پذیرتر از مناطق مرکزی باشند. از این رو، مناطق مرزی به صورت مناطق محروم، توسعه نیافته و پیرامونی و مستعد انواع تخلفات غیرقانونی باقی خواهند ماند (Hansen 1978). والرشتاین^۲ نظام جهانی را به سه بخش مرکز، پیرامون و نیمه پیرامون تقسیم می‌کند (Taylor 1994). بین مرکز و پیرامون مبادله نابرابر وجود دارد که ویژگی پایدار نظام است. مبادله نابرابر فرایندی است که تقسیم کار مرکز-پیرامون را بازتولید می‌کند و موجب می‌شود مازاد همیشه به مرکز منتقل شود و در نتیجه نابرابری، استثمار و بی‌عدالتی همیشه وجود خواهد داشت (مشیرزاده ۱۳۹۴). استدلال نظریه پردازان مکتب وابستگی این است که ساختار نظام بین‌المللی به شدت فرصتهای توسعه برای کشورهای توسعه نیافته را زایل می‌کنند. از نگاه این مکتب، توسعه اروپا، توسعه نیافتگی فعال دنیای غیراروپایی را به دنبال داشت (پیت و هارتویک ۱۳۸۹). به اعتقاد فرانک^۳، نفوذ و اشاعه نظام سرمایه‌داری در مناطق دورافتاده، به جای توسعه، موجب توسعه نیافتگی در آنها می‌شود (چیلکوت ۱۳۷۵).

از نظریه بی‌هنجاری دورکیم (گیدنز ۱۳۸۷) برای تشریح بحران‌های شدید اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به کار گرفته شد. براساس فشار ساختاری (توسلی ۱۳۸۶) و کارکردی مرتون (ریتزر ۱۳۸۶)، قاچاقچیان نمودی از کجروهای نوآور (اسکیدمور ۱۳۷۲) در جامعه هستند. کارکرد پدیده قاچاق کالا در داخل کشور، اگرچه نسبت به اقتصاد در سطح کلان و رفاه اجتماعی کژکارکرد (کرایب ۱۳۷۸) دارد، نسبت به وضعیت اقتصادی و رفاهی خانوار قاچاق‌کننده و همچنین تقویت خوداشتغالی زنان بی‌سرپرست یا بدسرپرست، کارکرد پنهان و مثبت (توسلی ۱۳۸۶) دارد. به علاوه نظریه ساختی-کارکردی و خرده‌نظام زیستی پارسونز (استونز ۱۳۸۷) جهت ایجاد حساسیت مفهومی برای استخراج مفاهیم در به وجود آمدن مسئله قاچاق و بحران‌های ناشی از آن، همچنین انتقال پیامدهای آن از سطحی به سطح دیگر استفاده شد.

تفسیر علل بیرونی قاچاق، مسیر گردش کالای قاچاق در ساختار بین‌المللی و قاچاق در سطح داخلی کشور به ترتیب از طریق مکتب وابستگی (پیت و هارتویک ۱۳۸۹) و نظریات فرانک و والرشتاین

1. Hansen, Niles.
2. Wallerstein, Immanuel.
3. Frank, Andre.

(Taylor 1994) و نظریه نظام جهانی سرمایه‌داری و عدم تعادل منطقه‌ای بین مناطق مرزی و مناطق مرکزی نایلز هانسن (Hansen 1978) امکان‌پذیر شد. براساس دیدگاه توسعه به‌مثابه آزادی آمارتیا سن (سن ۱۳۸۳)، عدم وجود آزادی فرصت‌های اقتصادی هم دلیل به‌وجود آمدن معضل قاچاق است و هم علت گرایش افراد به آن.

هرآنچه در نظریات پیشین در رابطه با علل و پیامدهای قاچاق گفته شد، با شدت بیشتری بر زنان سرپرست خانوار تأثیر می‌گذارد؛ چراکه براساس نظریه طرد، طرد اجتماعی فرایندی است که در نتیجه آن، گروه‌های اجتماعی و افرادی معین، مانند زنان سرپرست خانوار، از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می‌شوند؛ بنابراین به‌سختی می‌توانند فرصت‌هایی برای بهبود شرایط خود بیابند (بلیک‌مور ۱۳۸۵). بر این اساس، قاچاق و انتقال چمدانی تنها گزینه برای برخی از زنان سرپرست خانوار است تا از طریق آن بتوانند مخارج خود و خانواده‌شان را تأمین کنند و به‌طبع آسیب‌پذیری بیشتری نیز در این رابطه خواهند داشت.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به روش گراند‌تئوری^۱ انجام شده و اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه‌ساختارمند با ۳۰ نفر از زنان فعال در این انتقال و ۲۰ نفر از کارشناسان مطلع از موضوع که با روش نمونه‌گیری غیر تصادفی و هدفمند و از نوع گلوله برفی تعیین گردیدند. با رسیدن به اشباع نظری اطلاعات (فلیک ۱۳۸۵ و محمدپور ۱۳۹۰) جمع‌آوری شده است. برای توصیف و تجزیه و تحلیل اطلاعات، نیز از نظریه زمینه‌ای استراس^۲ و کوربین^۳ (استراس و کوربین ۱۳۸۵) در سه مرحله کدگذاری باز^۴، محوری^۵ و انتخابی^۶ استفاده شده است.

جدول شماره ۱. مشخصات زنان انتقال‌دهنده مورد مصاحبه

مصاحبه	سن	تأهل	تحصیلات	مصاحبه	سن	تأهل	تحصیلات	مصاحبه	سن	تأهل	تحصیلات
۱	۳۴	متأهل	کاردانی	۱۱	۵۳	متأهل	لیسانس	۲۱	۲۵	مجرد	لیسانس
۲	۴۷	متأهل	دیپلم	۱۲	۲۹	مجرد	ارشد	۲۲	۵۴	بیوه	سیکل
۳	۳۳	متأهل	دیپلم	۱۳	۳۰	مطلقه	فوق دیپلم	۲۳	۶۸	متأهل	ابتدایی

1. Grounded Theory Method.
2. Strauss.
3. Corbin.
4. Open coding.
5. Axial coding.
6. Selective coding.

سیکل	مطلقه	۵۸	۲۴	سیکل	بیوه	۷۷	۱۴	دیپلم	مطلقه	۳۸	۴
سیکل	متاهل	۴۸	۲۵	دیپلم	متاهل	۴۸	۱۵	ارشد	مجرد	۳۰	۵
دیپلم	متاهل	۴۰	۲۶	دیپلم	مطلقه	۶۲	۱۶	سیکل	متاهل	۴۳	۶
ابتدایی	بیوه	۷۵	۲۷	دیپلم	متاهل	۵۴	۱۷	دیپلم	مطلقه	۴۵	۷
سیکل	مطلقه	۵۵	۲۸	سیکل	بیوه	۷۰	۱۸	سیکل	متاهل	۴۸	۸
بی سواد	متاهل	۵۸	۲۹	لیسانس	بیوه	۳۲	۱۹	لیسانس	متاهل	۳۲	۹
دیپلم	متاهل	۴۵	۳۰	لیسانس	متاهل	۴۰	۲۰	دیپلم	مطلقه	۴۵	۱۰

جدول شماره ۲. مشخصات افراد مطلع مورد مصاحبه

مصاحبه	تحصیلات	ارگان خدمت	سمت	مصاحبه	تحصیلات	ارگان خدمت	سمت
۳۱	لیسانس	راه آهن	کارمند	۴۱	فوق لیسانس	نیروی انتظامی	اجتماعی
۳۲	لیسانس	راه آهن	کارشناس	۴۲	دکتری جامعه‌شناسی	دانشگاه هرمزگان	استاد
۳۳	لیسانس	نیروی انتظامی	مامور راه آهن	۴۳	دکتری جامعه‌شناسی	دانشگاه هرمزگان	استاد
۳۴	ارشد	نیروی انتظامی	برنامه ریزی	۴۴	دکتری روان‌شناسی	دانشگاه هرمزگان	استاد
۳۵	ارشد	راه آهن	ریاست	۴۵	ارشد جامعه‌شناسی	دانشگاه قشم	مشاوره
۳۶	فوق دیپلم	نیروی انتظامی	اجتماعی	۴۶	دیپلم	مغازه‌دار	-
۳۷	لیسانس	نیروی انتظامی	مبارزه با قاچاق	۴۷	دیپلم	مغازه‌دار	-
۳۸	لیسانس	نیروی انتظامی	مبارزه با قاچاق	۴۸	لیسانس	مغازه‌دار	-
۳۹	لیسانس	نیروی انتظامی	مامور راه آهن	۴۹	فوق دیپلم	راننده تاکسی	-
۴۰	فوق دیپلم	نیروی انتظامی	مامور راه آهن	۵۰	سیکل	راننده اتوبوس	-

روایی و پایایی^۱ پژوهش

درخصوص روایی و پایایی باید اذعان کرد که انجام مراحل نه‌گانه گرانددتئوری، می‌کوشد تا دو موضوع روایی و پایایی را به ثبوت برساند؛ به‌ویژه در گام‌های نمونه‌گیری نظری، اشباع اطلاعات و دستیابی به کفایت. علاوه بر آن، برای تأمین روایی و پایایی پژوهش حاضر، از صحت‌سنجی ریگور^۲ یا استحکام

1. Validity & Reliability.

2. Rigor.

داده‌ها و تکنیک مثلث‌سازی^۱ استفاده شد که بدین منظور تأکید بر نوشتن یادآورهای متعدد، نمونه‌گیری نظری، دقت در کدگذاری و دسته‌بندی شده است. همچنین جهت تقویت صحت سطح دقت^۲ و تنوع^۳ بر مقایسه میان داده‌ها تأکید شد. برای اینکه تئوری خلق شده به بستر و زمینه مطالعه قابل تعمیم باشد، نمونه‌گیری نظری با حداکثر تنوع انجام شد که تنوع نمونه‌های مطالعه می‌تواند گواه این مسئله باشد (محمدپور ۱۳۹۰).

یافته‌ها

در رابطه با علل و پیامدهای انتقال چمدانی باید گفت، یکی از ابعاد اصلی این پدیده محور اخلاقی است، لذا در بررسی این موضوع بر مبنای گراند تئوری، در مرحله اول کدگذاری باز، ۹۶ مفهوم مربوط به محور اخلاقی استخراج شد که بر مبنای آن ۹۱۷ دلالت مفهومی در مصاحبه‌ها مورد تفکیک قرار گرفتند. این مفاهیم بیانگر نظرات زنان انتقال‌دهنده، کارشناسان اجتماعی و مسئولین مرتبط، در رابطه با علل و شرایط تأثیرگذار در انتقال کالا همچنین پیامدهای این پدیده است. سپس در مرحله دوم، کدگذاری محوری، مفاهیم مشترک طبقه‌بندی شدند و در این مرحله ۲۶ مقوله استخراج شدند که از سطح انتزاع بالاتری برخوردار بودند. با توجه به مقوله‌های عمده اخلاقی، می‌توان گفت که مقوله هسته‌ای "گسیختگی اخلاقی/ پایبندی اخلاقی" مفهومی است که توانایی پوشش کلیه مباحث مطرح شده در محور اخلاقی انتقال چمدانی کالا را دارد و همچنین وجهه تحلیلی به آن می‌دهد. این مقوله هسته‌ای که مستخرج از سایر مقوله‌های عمده است، با بالاترین سطح انتزاع، پیامدهای اخلاقی انتقال چمدانی را توضیح می‌دهد؛ بنابراین مقوله، زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان مطلع از موضوع، پدیده انتقال چمدانی را با دو کارکرد اقتصادی متناقض، گسیختگی اخلاقی و پایبندی اخلاقی، درک و ارزیابی کرده‌اند. به این معنا که از نگاه آنان، انتقال چمدانی، از یک طرف زمینه گسیختگی اخلاقی برای زنان انتقال‌دهنده را ایجاد کرده و در مقابل سبب پایبندی اخلاقی زنانی شده است که برای تأمین زندگی خود چاره دیگری ندارند.

در جدول زیر نتایج به دست آمده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی پدیده انتقال چمدانی، شامل مفاهیم، مقولات عمده و مقوله هسته‌ای ارائه و سپس توضیح هر یک از مقولات با توجه به مفاهیم زیرمجموعه آن به همراه نقل قولی از مصاحبه مربوطه آورده می‌شود.

1. Triangulation.
2. Accuracy.
3. Diversity.

جدول شماره ۳. مفاهیم، مقولات عمده و مقوله هسته‌ای انتقال چمدانی کالا

ردیف	کدگذاری محوری	نوع مقوله	مفاهیم	مقوله هسته‌ای
۱	مشکلات خانوادگی	شرایط علی	مشکلات خانوادگی - خیانت شوهر - اعتیاد شوهر / تأمین اعتیاد شوهر	گسیختگی اخلاقی / پابندی اخلاقی
۲	مشکلات روحی	شرایط علی	مشکلات روحی - تنهایی - آزدگی روحی	
۳	نبود فرصت شغلی	شرایط علی	درآمد پایین سایر مشاغل - نبود فرصت شغلی - عدم توانایی انجام سایر مشاغل - بیکاری	
۴	عدم رسیدگی به اقشار محروم	شرایط علی	عدم توجه به حقوق زنان - درخواست رسیدگی دولت به زنان بدسرپرست یا بی‌سرپرست - عدم رسیدگی به اقشار کم‌درآمد	
۵	نیاز مالی	شرایط علی	نیاز مالی - فقر - انتقال بار امانی - مشکلات اقتصادی	
۶	اجبار	شرایط علی	اجبار - عدم حمایت مالی از طرف شوهر - درآمد ناکافی شوهر - ازکارافتادگی شوهر	
۷	زمینه مساعد مسائل غیراخلاقی	شرایط مداخله‌گر	راحت‌تر بودن تن‌فروشی - زمینه مساعد روابط نامشروع - درخواست روابط نامشروع	
۸	عدم پابندی به اصول اخلاقی	تعاملی منفی	عدم رعایت ظاهر و پوشش مناسب - خیانت به شوهر - عدم پابندی به اصول اخلاقی	
۹	عدم امنیت اخلاقی	شرایط مداخله‌گر	عدم امنیت اخلاقی - نگاه کالایی به زن - مورد تعدی قرار گرفتن	
۱۰	رونق تن‌فروشی در قشم	شرایط مداخله‌گر	قیمت بالای تن‌فروشی در قشم - بازار پررونق تن‌فروشی در قشم - آمار بالای روابط نامشروع	
۱۱	استفاده ابزاری از روابط نامشروع	تعاملی منفی	سوءاستفاده از خلأ عاطفی و مالی زنان - تن‌فروشی در پوشش انتقال کالا - استفاده ابزاری از روابط نامشروع	
۱۲	مسائل غیراخلاقی	پیامدی منفی	روابط نامشروع - تن‌فروشی - تأثیرپذیری اخلاقی - مسائل غیر اخلاقی - سوء استفاده جنسی	
۱۳	قضاوت نادرست درباره زنان	پیامدی منفی	دوطرفه بودن روابط نامشروع - تعداد اندک زنان مشکل‌دار - قضاوت نادرست درباره همه	
۱۴	پابندی به اصول اخلاقی	تعاملی مثبت	رعایت ظاهر و پوشش مناسب - پابندی به اصول اخلاقی - ترجیح بر تن‌فروشی	
۱۵	عدم افشای حقایق از سوی زنان	شرایط مداخله‌گر	عدم افشای اطلاعات شخصی - بیان مسائل خصوصی دیگرزنان - عدم افشای حقایق از سوی زنان	
۱۶	تأمین نیازهای اولیه زندگی	شرایط علی	تأمین هزینه‌های درمانی - کمک‌خرج زندگی - تأمین مخارج زندگی	
۱۷	ایجاد رفاه زندگی	شرایط علی	حمایت مالی از اطرافیان - بهبود وضعیت اقتصادی - ایجاد رفاه - امکان پس‌انداز	

۱۸	هزینه سفر	شرایط زمینه	تحمل هزینه اضافی اسکان و غذا- اهمیت هزینه- هزینه مسیر
۱۹	هزینه‌های انتقال	شرایط زمینه	پرداخت عوارض گمرکی- برگه سبز- جریمه گمرک- باربند- هزینه انتقال- جریمه اضافه
۲۰	سختی انتقال	شرایط زمینه	سختگیری گمرک و راه آهن- حمل بار سنگین- مخالفت خانواده- آسیب جسمی
۲۱	سختی مسیر	شرایط زمینه	سختی مسیر- بی خوابی در طول سفر- مسیر طولانی
۲۲	سختی خرید	شرایط زمینه	جستجوی جنس خوب با قیمت پایین- سختی خرید- زمان بر بودن
۲۳	حفظ زندگی آبرومندانه	پیامدهای مثبت	حفظ زندگی آبرومندانه- تأمین مسکن خانواده- توانایی خرید هدیه برای اطرافیان
۲۴	تخلف گمرک	شرایط زمینه	توقیف غیر قانونی بار در گمرک- تعویض اجناس نو با کهنه در گمرک- تخلف گمرک- سختگیری غیرقانونی گمرک- ارجاع به انبار
۲۵	فساد اداری و دولتی	شرایط زمینه	عدم توجه به منبع اصلی قاچاق- انتقاد از جامعه و دولت- فساد اقتصادی دولت
۲۶	مسئله بودن انتقال	شرایط زمینه	خوشحالی از توجه به مسئله- آگاهی دادن به مسئولان- عدم آگاهی از پیامدهای اجتماعی و اقتصادی انتقال

شرایط علی: نبود فرصت شغلی، عدم رسیدگی به اقشار محروم، نیاز مالی، اجبار - تأمین نیازهای اولیه زندگی و ایجاد رفاه، مشکلات روحی و خانوادگی

مقولات فوق که از شرایط علی و به وجود آورنده انتقال چمدانی محسوب می‌شوند، خود در یک تسلسل علی با یکدیگر پیوند دارند. به این شرح که بیکاری و نبود فرصت شغلی سبب ایجاد و گسترش قشر محروم در جامعه می‌شود. از طرف دیگر عدم رسیدگی به اقشار محروم، فقر و نیاز مالی فراینده را دامن می‌زند. چنین شرایطی گرایش اجباری به مشاغل کاذب و غیررسمی، از جمله قاچاق و انتقال چمدانی، را به دنبال دارد. در این میان «از قشر آسیب‌پذیر بودن» و «زن بودن» شرایط سخت‌تری برای تأمین معاش به وجود می‌آورد. اکثر زنانی که اقدام به انتقال چمدانی کالا می‌کنند، از جمله زنان درحاشیه قرار گرفته، زنان بدسرپرست یا بی‌سرپرست و از اقشار کم‌درآمد جامعه هستند که شرایط زندگی‌شان آنان را به اجبار واداشته تا به دنبال راهی برای تأمین مخارج زندگی به انتقال چمدانی روی بیاورند و از این طریق مخارج خود و خانواده‌شان را تأمین کنند. یکی از زنان انتقال‌دهنده در این رابطه می‌گوید:

همه دنبال کار هستن، ولی بی‌کاری غوغا می‌کنه. خیلی تو مضیقه هستیم. هیچ‌کس به فریاد ما نمی‌رسه. از مجبوری اومدم توی این راه کار می‌کنم چند تا پسر دارم، ولی همه شون بیکارن. زنانی که خود سرپرست خانواده هستند، تمامی نیازهای اولیه خود و خانواده‌شان، به علاوه مخارج

اضطراری مثل هزینه‌های درمانی، را از طریق درآمد حاصل از انتقال تأمین می‌کنند. زنانی هم که سرپرست نیستند، ولی درآمد همسرشان کفاف مخارج زندگی را نمی‌دهد، با درآمد انتقال چمدانی، کمک‌خرج زندگی هستند و بسیاری از نیازهای به‌تعویق‌افتاده اعضای خانواده را فراهم می‌سازند. هدف این زنان در ابتدای اشتغال تنها تأمین نیازهای اساسی زندگی است، ولی با گذشت زمان و کسب درآمد نسبتاً خوب، اهداف اقتصادی بالاتری را مد نظر قرار می‌دهند. آنان از طریق درآمد حاصل از انتقال چمدانی، امکان پس‌انداز می‌یابند و می‌توانند مسکن و وسیله نقلیه خریداری کنند و به سطح بالاتری از رفاه دست یابند.

از طرف دیگر، زنان بی‌سرپرست یا بدسرپرستی که در تأمین نیازهای اولیه زندگی خود فرومانده‌اند، نه‌تنها از لحاظ اقتصادی، بلکه از نظر روحی نیز تحت فشار شدیدی قرار می‌گیرند. زنان انتقال‌دهنده که بیشتر از همین قشر آسیب‌پذیر هستند، طی مصاحبه خود، به تجربیات سخت روحی خود قبل از اشتغال به انتقال اشاره کرده و یکی از زمینه‌های گرایش خود به این حرفه را همین شرایط روحی بد خود بیان کرده‌اند. یکی از زنان مصاحبه‌شونده می‌گوید:

به خاطر مشکلات اقتصادی و روحی به این کار رو آوردم، مدت‌ها بود روحی‌هم‌رو از دست داده بودم.

علاوه بر آن، زنان انتقال‌دهنده، با مشکلات خانوادگی عدیده‌ای نیز روبه‌رو هستند. بیکار بودن همسر و فشارهای اقتصادی واردشده به خانواده آنان، سبب سست شدن بنیان خانواده و بروز آسیب‌هایی مثل طلاق، اعتیاد و خیانت شده است. یکی از کارشناسان پیامد مشکلات اقتصادی بر خانواده و به‌تبع آن تأثیر بر انتقال چمدانی این‌گونه تأیید می‌کند:

افزایش میزان طلاق و اختلافات خانوادگی و بیکاری مردان متأهل نیز بر این قضیه (انتقال چمدانی) اثر مستقیم دارد.

بدیهی است با قرارگرفتن زنان با شرایط ذکرشده در مسیر انتقال چمدانی، گزینه‌های متعدد غیر اخلاقی نیز برایشان ایجاد می‌شود. این مقولات نشان می‌دهند که چگونه فقر با مسائل اخلاقی می‌تواند رابطه مستقیم داشته باشد. یکی از کارشناسان مورد مصاحبه چنین بیان می‌کند:

همه این زنان بدون استثنا از طبقات ضعیف جامعه هستند، اکثر این زنان اول به‌خاطر نیاز مالی مجبور به این کار، ولی بعد آلوده شده‌اند.

از طرف دیگر، زنان انتقال‌دهنده نیز معتقدند شرایط علی ذکرشده انتقال چمدانی می‌تواند زمینه‌ساز انحرافات اخلاقی باشد، چراکه برخی سودجویان با آگاهی از شرایط این زنان، در پی سوءاستفاده اخلاقی از ایشان برمی‌آیند. یکی از آنان توضیح می‌دهد:

بدترین و آزاردهنده‌ترینش هرزگی مردهاییه که فکر می‌کنن حالا که ما زنیم و بیچاره و بی‌کس و کاریم و مجبوریم به این سختی کار کنیم، پس حاضریم به هر حقارتی تن بدیم.

شرایط زمینه‌ای: سختی مسیر، انتقال و خرید - هزینه سفر و انتقال - فساد اداری، تخلف گمرک و راه‌آهن

انتقال چمدانی کالا فعالیتی است دشوار که به‌طور ضمنی طی مسافت، حمل بار سنگین، مواجهه با سختگیری ارگان‌های نظارتی و استرس بالا را به‌همراه دارد. زنان انتقال‌دهنده آسیب‌های جسمی و روحی زیادی در این کار متحمل می‌شوند. زمانی که صحبت از سختی‌های این حرفه می‌شود، این زنان با دلی پردرد به مخالفت خانواده، سختی زیاد، تحقیر و بی‌حرمتی و مواردی از این قبیل اشاره می‌کنند. خانمی توضیح می‌دهد:

خونواده‌م راضی نیستن من این کار رو انجام می‌دم. استرس رد شدن و برگشت خوردن اجناس در گمرک و راه‌آهن، جادادن اجناس توی چمدون، خیلی سنگین می‌شه و جابه‌جا کردنش برای یه زن سخته، رباط دستم پاره شده.

علاوه بر آن، تنها سفر کردن در این مسیر طولانی و پردردسر، امکان بروز آسیب‌های اخلاقی متعددی برای زنان با خود دارد. یکی از کارشناسان مورد مصاحبه در این خصوص می‌گوید: «با توجه به بُعد مسافت تهران تا بندرعباس و قشم، تنها سفر کردن این زنان باعث ایجاد آسیب‌های اخلاقی برای این زنان می‌شود، چه‌بسا در برخورد با افراد مورد تعدی قرار بگیرند».

زنان انتقال‌دهنده علاوه بر سختی‌های زیاد، هزینه‌های سفر و انتقال را نیز پیش روی خود دارند. یکی از عوامل تأثیرگذار بر میزان سوددهی انتقال چمدانی، میزان مخارج در طول سفر است. زنان انتقال‌دهنده با مدیریت مخارج خود سعی در افزایش درآمد خود دارند، اما در مواردی مثل توقیف اجناس و یا طوفانی بودن دریا (عدم تردد شناورها)، مجبور می‌شوند مدت بیشتری در قشم توقف داشته باشند و این موضوع سبب می‌شود هزینه‌های اضافه غذا و اسکان را متحمل شوند که به‌تبع سوددهی آنان را کاهش می‌دهد. یکی از زنان انتقال‌دهنده این مورد را توضیح می‌دهد:

در طول مسیر، زمان و هزینه خیلی برام مهمه، توی سفر هرچقدر مخارجمون رو پایین بیاریم سودمون بیشتره.

علاوه بر مخارج سفر، غذا و اسکان، این حرفه هزینه‌های دیگری دارد که مختص خود انتقال کالا است. عوارض گمرکی (برگه سبز)، جریمه گمرک، جریمه نقدی در قطار، دستمزد کم کردن حجم پوشاک جهت انتقال (باربند)، جریمه اضافه بار و کرایه باربر از جمله هزینه‌های مختص انتقال هستند. برخی زنان جهت کاهش هزینه‌ها و غلبه بر سختی‌های انتقال وارد روابط خارج از عرف می‌شوند. بدین ترتیب، سختی‌ها و هزینه‌های انتقال چمدانی، امکان بروز مسائل غیراخلاقی را فراهم می‌کند و مواردی از این قبیل، تأثیر پدیده‌های اقتصادی بر شکل‌گیری زمینه‌های غیراخلاقی را نشان می‌دهد.

سه مقوله فساد اداری، تخلف گمرک و راه‌آهن تأثیر مشابهی بر ایجاد مسائل اخلاقی در انتقال چمدانی دارند. در بررسی‌های میدانی که در بازارهای قشم انجام شد و همچنین در مشاهده مشارکتی که در همسفری با زنان انتقال‌دهنده صورت گرفت، فعالیت‌های غیرقانونی گسترده که ناشی از ضعف و

فساد سازمان‌های نظارتی است، به‌وضوح قابل تشخیص بود. یکی از این موارد، تخلف گمرک و راه‌آهن در رابطه با توقیف غیرقانونی بار است که به‌دفعات از سوی مصاحبه‌شوندگان اعم از مسئولین یا زنان انتقال‌دهنده بیان شده است. براساس قانون، اگر نوع بار همراه مسافر از اقلام ممنوعه نباشد، از حدّ میزان مجاز تجاوز ننماید و عوارض گمرکی (برگه سبز) آن نیز پرداخت گردد، نمی‌توانند اجناس آنها را توقیف کند. این درحالی است که اجناس این زنان در قالب کالای همراه مسافر است و با وجود رعایت قوانین مربوط به نوع، میزان و پرداخت عوارض، به‌شدت مورد سختگیری قرار می‌گیرند. رئیس ایستگاه راه‌آهن بندرعباس در مصاحبه خود این‌طور بیان می‌کند: «سؤال اینجاست که اگر برگه سبز می‌دهند و قوانین گمرکی را رعایت می‌کنند و عوارض گمرکی را پرداخت می‌کنند، پس چرا در انتقال کالا از سوی نیروی انتظامی و گمرک اذیت می‌شوند؟».

علاوه بر این‌ها، زنان انتقال‌دهنده نیز در طی مصاحبه خود به‌کرات به فساد اقتصادی و عدم توجه به منبع اصلی قاچاق اشاره و بارها از جامعه و دولت به‌خاطر فساد گسترده و تبعیض انتقاد کرده‌اند. آنها در مصاحبه خود نسبت به عواقبی که کارشان برای جامعه و دولت در پی دارد، اظهار بی‌توجهی کرده، موضع تلافی‌جویانه‌ای نسبت به دولت می‌گیرند. یکی از این زنان در مصاحبه می‌گوید:

قاچاقچی اصلی خود گمرکه، اسکله پر از کانتینرهای بدون مجوز ورود، ولی بعد از چند روز همه‌ش تخلیه و وارد بازار می‌شه. ما این چیزها رو از نزدیک می‌بینیم. مشکلات اساسی دیگه‌ای تو کشور مثل فساد و رشوه‌خوار و دزدی هست که درست‌شدنی نیست. به ضرر اقتصاد کشور باشه، برام مهم نیست. خرید ماها اون قدر نیست که روی اقتصاد کشور تأثیر بذاره، برن جلوی فسادهای مالی و درآمدهای نجومی رو بگیرن.

تمامی موارد فوق، اعم از سختگیری‌های زیاد و بی‌مورد گمرک و راه‌آهن، همچنین فساد گسترده در کشور سبب شده است تا زنان انتقال‌دهنده به هروسيله‌ای، اعم از رشوه و حق‌السکوت، برای رد کردن اجناس خود تمسک جویند و این موارد تنها محدود به پرداخت نقدینه نیست، بلکه شامل برقراری روابط خارج از عرف و نامشروع نیز می‌شود.

شرایط مداخله‌گر: عدم امنیت اخلاقی، رونق تن‌فروشی در قشم، عدم افشای حقایق از سوی زنان

و زمینه مساعد مسائل غیراخلاقی

عدم امنیت اخلاقی در انتقال چمدانی و احساس ناامنی که زنان در طول مسیر تجربه می‌کنند، یکی از دغدغه‌های مشترک آنان است. ترس از مواجهه با آزارهای جنسی و مورد تعدی قرار گرفتن از جدی‌ترین آسیب‌های انتقال چمدانی به‌شمار می‌رود. یکی از کارشناسان مصاحبه دغدغه امنیت در انتقال چمدانی را این‌طور توضیح می‌دهد:

قشم از لحاظ امنیت جنسی برای این زنان فاجعه است، فاجعه! ممکن است در طول مسیر عواقب سوء از قبیل تجاوز و فحشا را به‌همراه داشته باشد. در این راه طولانی امکان هرگونه

تعدی وجود دارد.

از طرف دیگر، قشم که مقصد میانی برای زنان انتقال‌دهنده است، با توجه به مهاجرپذیری و تجاری بودن، شرایط مساعدی برای روابط غیراخلاقی دارد. ساکنان و شاهدان عینی، به بازار پررونق و قیمت بالای تن‌فروشی در قشم اشاره دارند و یکی از آنان می‌گوید:

میان، ولی درواقع میان توی به محیطی که کسی اونها رو نشناسه و قیمت بالا باشه و بازار هم گرم باشه خودفروشی کنن. توی قشم از همه جا هستن. هر روز پراز جمعیت و خالی می‌شه. خودش زمینه خوبی برای این چیزهاست.

علاوه بر آن، عدم افشای حقایق از سوی زنان انتقال‌دهنده نیز سبب ایجاد و گسترش مسائل اخلاقی می‌شود. اکثر آنان از بیان حقایق کار و زندگی خود امتناع می‌کنند. تمام موارد ذکرشده، بیانگر بستر مناسبی است که انتقال چمدانی می‌توانند برای بروز مسائل غیراخلاقی فراهم کند. زنان انتقال‌دهنده در طول سفر خود با درخواست‌های متعدد روابط نامشروع مواجه هستند و این مورد به‌طور مداوم تکرار می‌شود. از طرف دیگر، راحتی و درآمد بیشتر تن‌فروشی، مقاومت و پایبندی به اصول اخلاقی را برای برخی زنان سخت کرده است. یکی از آنها می‌گوید:

قطعاً خودفروشی هم آسون‌تره، هم درآمدش بیشتره، البته تقصیری هم نداشتن این‌قدر درخواست نامشروع تکرار می‌شه و این‌قدر موقعیتش پیش میاد که مقاومت خیلی سخته آخرش پاشون سر می‌خوره.

پدیده و تعاملات: مسئله‌بودن انتقال - استفاده ابزاری از روابط نامشروع و عدم پایبندی به اصول

اخلاقی - پایبندی به اصول اخلاقی

آنچه انتقال چمدانی را به‌عنوان یک مسئله دارای اهمیت می‌کند، شرایط شکل‌گیری این پدیده است که زمینه بروز مسائل غیراخلاقی را در بطن خود دارد و از این‌رو پیامدهای اخلاقی متعددی برای این پدیده محتمل است. یکی از استادان دانشگاه مورد مصاحبه، که از نزدیک شاهد انتقال چمدانی بوده است، از بررسی این مسئله اظهار خرسندی می‌کند: «خیلی عالی است که در سطح دانشگاهی این موضوع مطرح و پیامدهای آن سنجیده شود. تلاش کنید بازخورد علمی داشته باشد».

نکته مهم دیگر، عدم توجه مسئولان و عدم آگاهی برخی از زنان انتقال‌دهنده از پیامدهایی است که این انتقال می‌تواند برای جامعه ایجاد کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این رابطه می‌گوید:

کار ما هیچ مشکلی برای جامعه ایجاد نمی‌کنه. بدبخیش برای ماست، نه جامعه. ما از تهران میایم. جنس می‌خریم برمی‌گردیم. برای دیگران چه مشکلی می‌تونه ایجاد کنه؟

در خصوص تعامل نیز، زنان انتقال‌دهنده به دو گونه کاملاً متفاوت نسبت به پدیده انتقال چمدانی تعیین استراتژی می‌کنند؛ یک مورد، عدم پایبندی به اصول اخلاقی و استفاده ابزاری از روابط نامشروع و مورد دیگر پایبندی به اصول اخلاقی و ترجیح بر تن‌فروشی است. از دیدگاه زنان انتقال‌دهنده، عدم

رعایت ظاهر و پوشش مناسب و عدم رعایت حریم شخصی از طرف برخی از زنان شاغل در این مسیر، سبب ورود به موارد غیراخلاقی مثل خیانت می‌شود. در این خصوص دو موضوع مطرح است، یک مورد زنانی هستند که کارشان انتقال چمدانی نیست، بلکه از انتقال به‌عنوان پوششی برای تن‌فروشی استفاده می‌کنند. یکی از زنان انتقال‌دهنده که طی سفرهای خود با این دسته برخورد داشته است، چنین می‌گوید:

به‌ظاهر میان جنس بیارن، ولی کار دیگه‌ای می‌کنن. می‌رن دنبال اصل قضیه.

مورد دیگر زنانی هستند که کارشان انتقال چمدانی است، ولی با توجه به موانع و مخارجی که در این حرفه وجود دارد، از روابط نامشروع به‌عنوان ابزاری برای انجام هدف خود و انتقال اجناس استفاده می‌کنند. یکی دیگر از زنان انتقال‌دهنده در این رابطه می‌گوید:

بعضی خانوم‌ها هم بدشون نیماهد از این طریق بارشون رو راحت رد کنن، کارشون هم هیچ‌جا گیر نمی‌کنه، نه تو گمرک، نه راه‌آهن، بعضی خانوم‌ها هم جنس مجانی می‌گیرن، جا یا غذای مجانی می‌گیرن، تن‌فروشی می‌کنن.

درمقابل، زنان انتقال‌دهنده‌ای که رعایت اصول اخلاقی برایشان مهم است و با رعایت ظاهر و پوشش مناسب، سعی در حفظ حریم خود دارند، پایبندی به اصول اخلاقی، تعهدات مذهبی و خانوادگی را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند تا بتوانند از فسادهای احتمالی مصون بمانند. یکی از آنان قوانین اخلاقی خود را این‌گونه توضیح می‌دهد:

من وقتی میام می‌رم، در لباس و آرایش خیلی مراعات می‌کنم، بدون آرایش با لباس پوشیده (هستم). سختی می‌کشیم (ولی) خطا نمی‌کنم، امکانش رو هم دارم. من توی روابط همیشه حدومرز رو رعایت می‌کنم.

این زنان انتقال‌دهنده طی مصاحبه‌های خود بیان کرده‌اند، اگرچه به‌خاطر نیاز مالی و تأمین مخارج زندگی به انتقال مشغولند، ولی آنان این حرفه را علی‌رغم سختی‌ها و مخاطراتش بر تن‌فروشی ترجیح می‌دهند و بر پایبندی به اصول اخلاقی تأکید می‌ورزند. یکی از این زنان می‌گوید:

تو این جامعه خیلی راحت‌تر می‌شه پول درآورد، ولی من اهلش نیستم.

پیامدها: حفظ زندگی آبرومندانه (مثبت): قضاوت نادرست درباره همه زنان انتقال‌دهنده، بروز مسائل اخلاقی (منفی)

مشکلات اقتصادی موردی است که تمام زنان انتقال‌دهنده در آن با هم اشتراک دارند، اما آنچه در بُعد اخلاقی برای زنان انتقال‌دهنده‌ای که به اصول اخلاقی پایبندند، دارای اهمیت است، توانایی تأمین مخارج زندگی از راه آبرومندانه است. اکثر زنان انتقال‌دهنده، قادر به تأمین مخارج زندگی از طریق مشاغل دیگر نیستند و انتقال چمدانی تنها راه پیش‌روی آنان است. یکی از آنان به این پیامد مثبت انتقال چمدانی اشاره می‌کند و می‌گوید:

من این راه رو میام و می‌رم که زندگیم آبرومندانانه (باشه)، خانوم‌های چمدونی اگه نیان این مسیره، باید برن گدایی یا خودفروشی. من و بقیه زن‌ها به جای تن‌فروشی کار می‌کنیم، این کار از بی‌آبرویی خیلی بهتره.

علاوه بر آن، زنان انتقال‌دهنده به مواردی مثل کاهش مشکلات مالی، تأمین مخارج، پوشاک، هزینه‌های تحصیل خود و استقلال مالی اشاره دارند. همچنین زنان شاغل با درآمد حاصل از انتقال کالا، مخارج خانواده و فرزندان خود، همچنین مخارج تحصیل و پوشاک آنها را تأمین می‌کنند. این زنان از اینکه می‌توانند فرزندان خود را به سامان برسانند و از آنها حمایت مالی داشته باشند، ابراز خرسندی کرده‌اند. درواقع، مادر خانواده با تأمین نیازهای فرزندان و فراهم کردن سطح مقبولی از زندگی، شأن اجتماعی خانواده و عزت فرزندان را حفظ می‌کند. مادری در این رابطه بیان می‌کند:

شکر خدا درآمدش خوبه، خرج خونواده رو می‌دم. خرج تحصیل دخترم رو خودم دادم. برای بچه‌هام بهترین لباس‌ها و غذاها رو فراهم کردم. بچه‌هام رو به جایی رسوندم، در یه سطحی زندگی داریم که بچه‌هام خجالت‌زده نباشن.

از طرف دیگر، زنان انتقال‌دهنده در جریان آسیب‌ها و مشکلاتی که در زمان عدم حضورشان ممکن است متوجه خانواده شود، هستند. درمقابل، آنها کارکردهای مثبت اجتماعی انتقال را بر خانواده خود می‌بینند و در یک جمع‌بندی نهایی تصمیم بر ادامه فعالیت خود با تلاش در کاهش آسیب‌های وارده به خانواده دارند. یکی از زنان مصاحبه‌شونده می‌گوید:

کار سختیه. مسیر طولانیه. هر مشکلی ممکنه برای خودمون یا خونواده‌هامون پیش بیاد، باعث می‌شه زندگی از دستت رها بشه. ما باید طوری فعالیتمون رو تنظیم کنیم که لطمه به زندگی و خونواده و فرزندانمون نخوره.

درمقابل مقوله "بروز مسائل اخلاقی" نشان‌دهنده پیامد منفی انتقال چمدانی است. روابط نامشروع، تن‌فروشی، سوءاستفاده جنسی، تأثیرپذیری اخلاقی و مواردی از این دست بارها در مصاحبه‌ها تکرار شده‌اند. تأثیرپذیری اخلاقی چیزی است که افراد مورد مصاحبه، به‌ویژه زنان انتقال‌دهنده، آن را عامل اصلی گرایش به مسائل غیراخلاقی تلقی می‌کردند. از نگاه آنان، زنانی که برای تأمین خود و خانواده به انتقال روی می‌آورند، در ابتدا آلوده به مسائل غیراخلاقی نیستند، اما با قرارگرفتن در شرایط مساعد و ارتباط با برخی زنانی که درگیر این‌گونه مسائل‌اند، تحت تأثیر قرار گرفته، ناخودآگاه به سمت مسائل غیراخلاقی کشیده می‌شوند. یکی از زنان انتقال‌دهنده می‌گوید:

بعضی خانوم‌ها هم اولش که شروع کردن بیان توی این مسیر سالم بودن، ولی به فساد کشیده شدن.

با توجه به آنچه گفته شد، بدیهی است ساکنان قشم، به‌عنوان قشری که به‌طور مستقیم از رفت‌وآمد زنان انتقال‌دهنده به جزیره‌شان تأثیر می‌پذیرند، از پیامدهای اخلاقی منفی این معطل‌مصون نیستند. یکی از کارشناسان ساکن قشم، سست شدن بنیان خانواده‌های قشم را از پیامدهای اخلاقی

منفی این پدیده قلمداد می‌کند. او می‌گوید: «بی‌بندوباری جنسی به وجود آمده هم خودشان را درگیر می‌کند، هم خانواده‌های قشمی ساکن را».

مقوله "قضاوت نادرست درباره همه زنان انتقال‌دهنده"، مورد دیگر از پیامدهای اخلاقی منفی انتقال چمدانی است. در این خصوص، مصاحبه‌شوندگان معتقدند تعداد زنان انتقال‌دهنده دارای مشکل اخلاقی بسیارندک است. از نظر آنان اکثر زنان انتقال‌دهنده از روی نیاز و اجبار به انتقال مشغول و در این مسیر به اصول اخلاقی پایبندند و آلوده به مسائل غیراخلاقی نیستند و به خاطر شمار محدود زنان آلوده، نباید درباره همه قضاوت نادرست کرد. یکی از فروشندگان قشم در این باره می‌گوید:

همه خانوم‌هایی که جنس میارن، مورد ندارن، بعضی‌هاشون این طوری‌ان، نباید جمع زد. اون‌هایی که واقعاً میان برای کار و جنس این طوری نیستن، اکثراً سالم‌ان و زحمت می‌کشن برای روزی حلال.

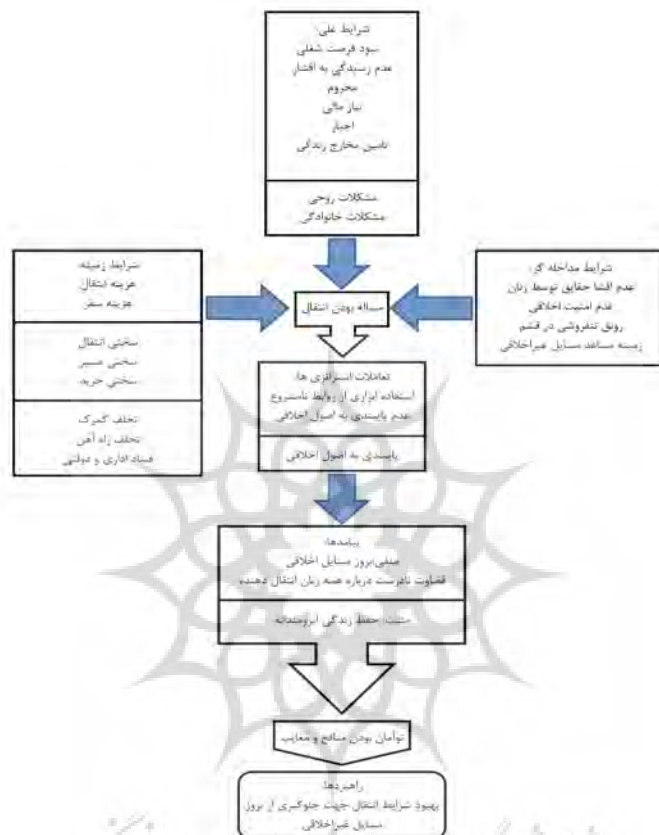
خود زنان انتقال‌دهنده نیز به قضاوت نادرستی که دیگران درباره‌شان دارند واقفند و از این موضوع رنج می‌برند. یکی از آنها می‌گوید:

ولی حضور این طور زن‌ها توی این مسیر باعث می‌شه فروشنده و مأمور و همه به ما هم نظر داشته باشن و بقیه مردم هم به چشم بد به ما نگاه کنن.

نتیجه‌گیری و بحث

شرایط، تعامل‌ها و پیامدهای مورد بحث در انتقال چمدانی حول محور اخلاقی، در قالب مدل زمینه‌ای زیر ترسیم شده است. براساس این مدل، می‌توان گفت که شکل‌گیری پیامدهای اخلاقی انتقال چمدانی به‌مثابه گسیختگی اخلاقی-پایبندی اخلاقی، متأثر از شرایط خاصی است که در سه دسته قابل طبقه‌بندی است: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر.

شکل شماره ۱- مدل زمینه‌ای محور اقتصادی انتقال چمدانی کالا: گسیختگی اخلاقی-پایبندی اخلاقی



براساس مدل فوق، نبود فرصت شغلی، عدم رسیدگی به اقشار محروم، نیاز مالی، اجبار، تأمین نیازهای اولیه زندگی و ایجاد رفاه، در کنار مشکلات روحی و خانوادگی از علل گرایش زنان به انتقال چمدانی است. از این رو خلأ اقتصادی و عاطفی زنان انتقال‌دهنده می‌تواند شرایط علی انحراف یا سوء استفاده اخلاقی را ایجاد کند.

در بخش دیگر مدل، هزینه‌های انتقال و سفر، سختی انتقال، مسیری و خرید، تخلف گمرک و راه‌آهن، فساد اداری و دولتی شرایط زمینه‌گرایی به موارد غیراخلاقی انتقال چمدانی را فراهم کرده‌اند. در واقع، برخی زنان جهت کاهش هزینه‌ها و غلبه بر سختی‌های انتقال وارد روابط غیراخلاقی می‌شوند. از طرف دیگر، تخلف گمرک و راه‌آهن، همچنین فساد اداری و دولتی سبب شده است تا زنان

انتقال‌دهنده به هر وسیله‌ای، اعم از رشوه وحق‌السکوت، برای عبور از موانع ترخیص اجناس خود تمسک جویند و این موارد تنها محدود به پرداخت نقدینه نیست، بلکه شامل برقراری روابط خارج از عرف و نامشروع نیز می‌شود. علاوه بر آن، زنان انتقال‌دهنده به کرات از جامعه، دولت و ارگان‌های نظارتی به‌خاطر فساد گسترده و تبعیض انتقاد کرده‌اند. همچنین نسبت به عواقبی که کارشان برای جامعه و دولت در پی دارد، اظهار بی‌توجهی و جایگاه تلافی‌جویانه‌ای نسبت به دولت اتخاذ کرده‌اند. از این‌رو، فساد اداری و دولتی با ایجاد روحیه بی‌اعتمادی نسبت به دولت و از خودبیگانگی شدید اجتماعی، افراد را نسبت به دستیابی به منافع شخصی و تضییع منافع عمومی و دولتی، از طریق قاچاق ترغیب می‌کند. درواقع فرد که خود را قربانی فساد و بی‌عدالتی دولت می‌بیند، از جامعه بیگانه می‌شود و در پی تحقق حقوق خود، از پایمال کردن حقوق دولت و جامعه باکی نخواهد داشت.

در ادامه مدل، عدم افشای حقایق ازسوی زنان، عدم امنیت اخلاقی، رونق تن‌فروشی در قشم و زمینه مساعد مسائل غیراخلاقی در ایجاد پیامدهای اخلاقی انتقال چمدانی نقش مداخله‌گر را دارند. درواقع، شرایط شکل‌گیری پدیده انتقال چمدانی، زمینه بروز مسائل غیراخلاقی را در بطن خود دارد. از این‌رو زنان به تبع ورود به کار انتقال چمدانی، وارد حوزه اخلاقی و پیامدهای آن نیز می‌شوند؛ بنابراین اگرچه آنان با هدف اقتصادی دست به انتقال می‌زنند، ولی به‌خوبی آگاهند که بروز مسائل اخلاقی در این حرفه تقریباً اجتناب‌ناپذیر است.

با توجه به آنچه درخصوص شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر گفته شد، زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان مطلع از موضوع، پدیده انتقال چمدانی را به‌عنوان مسئله قلمداد کرده و دوگونه استراتژی متفاوت نسبت به پدیده انتقال چمدانی را ارزیابی نموده‌اند: عدم پایبندی به اصول اخلاقی و استفاده ابزاری از روابط نامشروع و دیگری، پایبندی به اصول اخلاقی و ترجیح بر تن‌فروشی. با توجه به دو نوع تعامل ذکرشده، پدیده انتقال پیامدهای منفی بروز مسائل اخلاقی و قضاوت نادرست درباره همه زنان انتقال‌دهنده و همچنین پیامد مثبت حفظ زندگی آبرومندان را به‌دنبال خواهد داشت. از این‌رو، انتقال چمدانی به‌مثابه تیغی دولبه عمل می‌کند، از یک طرف می‌تواند بستر ساز گسیختگی اخلاقی باشد برای تمامی اقشار مرتبط با آن و درمقابل می‌تواند راهی باشد جهت حفظ پایبندی اخلاقی زنانی که حاضر به تن‌فروشی نیستند و راهی جز انتقال چمدانی برای تأمین معاش خود ندارند.

در یک جمع‌بندی کلی، توامان بودن منافع و معایب، ویژگی بارز پیامدهای پدیده انتقال چمدانی است. زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان که این کارکرد متقابل و متناقض انتقال چمدانی را تأیید کرده‌اند، معتقدند اگرچه وجهه بارز این انتقال، ایجاد مسائل غیراخلاقی است، اما نباید درباره همه زنان شاغل این حرفه این‌گونه قضاوت و پیامدهای مثبت اخلاقی انتقال چمدانی را که شامل حفظ سلامت اخلاقی و زندگی آبرومندان است، فراموش کرد. از نظر آنان، ویژگی انتقال چمدانی، خودجوش و خودظه‌ور بودن، عادی و مرسوم بودن و همچنین تعداد زیاد شاغلان در آن است. انتقال چمدانی از قبیل برنامه‌ریزی نشده و به‌عنوان یک مسئله خودجوش شناخته می‌شود. وجود شرایط بحرانی در اقتصاد و

فقر و بیکاری از یک طرف و امکان کسب درآمد از طریق نقاط ضعف موجود در قانون از طرف دیگر، سبب شده است تا عده‌ای با پوشش مسافر اقدام به انتقال کالا بنمایند. در واقع انتقال کالا همراه مسافر یک پیامد پیش‌بینی‌نشده محسوب می‌شود. این پدیده که خود نتیجه عوامل اقتصادی و اجتماعی متعددی است، می‌تواند پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی را برای جامعه در پی داشته باشد. از این رو انتقال چمدانی به عنوان مسئله‌ای مطرح می‌شود که باید مورد بررسی و کنترل قرار گیرد. از آنجاکه انتقال چمدانی کالا، زائیده شرایط اقتصادی کشور و پیامد ناخواسته فقر و بیکاری اقشار محروم و عدم کارایی سازمان‌های حمایتی است، بدیهی است هرگونه اتخاذ تصمیمی در رابطه با این پدیده خودظهور باید از قبل بررسی شود؛ چراکه ممانعت از این انتقال، امکان بروز آسیب‌های شدیدتر فرهنگی و پیامدهای ناخواسته دیگری را به همراه خواهد داشت و از طرف دیگر رها گذاشتن افسارگسیخته آن نیز قطعاً به صلاح نخواهد بود. از این رو، با در نظر گرفتن عدم توجه ارگان‌های مربوطه جهت تعیین جایگزین مناسب برای انتقال چمدانی، اعمال کنترل غیرمستقیم بر انتقال چمدانی تنها راه مواجهه با آن است؛ بنابراین؛ انتخاب بین بد و بدتر است، لذا باید با کنترل پیامدهای منفی انتقال چمدانی، از کارکردهای مثبت آن بهره برد. پس با بهبود شرایط انتقال می‌توان از بروز پیامدهای غیراخلاقی آن ممانعت کرد تا علاوه بر تأمین منافع انتقال دهندگان و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری، از ورود آنان به دیگر حوزه‌های بزهکاری جلوگیری کرد تا از این طریق منافع عمومی جامعه و کشور نیز حفظ شود. همچنین مسئولان دولتی می‌توانند با سامان دادن امور انتقال چمدانی در مناطق مرزی و با رشد میزان تجارت چمدانی در سال‌های آینده فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد کنند و میزان بیکاری و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن را کاهش دهند.

در رابطه با تحلیل نظری نیز، براساس آنچه تاکنون در رابطه با بررسی پدیده انتقال چمدانی گفته شد، زنان انتقال دهنده برآند تا با اشتغال به انتقال، علاوه بر تأمین نیازهای اولیه خود و خانواده‌شان، به سطحی از رفاه و زندگی آبرومندانه دست یابند و از این طریق پایگاه اجتماعی خود را ارتقا دهند. از دیدگاه آنان کسب درآمد و محتاج نبودن بسیار مهم تلقی می‌شود. اجباری که زنان برای دستیابی به موارد فوق تجربه می‌کنند، در دیدگاه کارکردگرایی ساختاری رابرت مرتون از آن به عنوان "فشار ساختاری" یاد می‌شود. به نظر وی یکی از علل ناهنجاری و رفتارهای انحرافی، محدودیت در حصول به هدف‌های پذیرفته‌شده فرهنگی یا وسایل دسترسی به آنها و یا هردو است (اسکیدمور ۱۳۷۲). براساس این نظریه، نبود فرصت شغلی، فساد اداری و دولتی، عدم برنامه‌ریزی برای اشتغال و عدم رسیدگی به اقشار محروم، مانع دستیابی افراد به سطح متعارف زندگی می‌شود. در چنین شرایطی، یکی از راه‌های پیش روی زنان سرپرست خانوار جهت دستیابی به اهداف تعیین‌شده فرهنگی و تأمین مخارج زندگی، انتقال چمدانی است و براساس سنخ‌های سازگاری افراد در نظریه مرتون، این زنان جزو طبقه نوآور به حساب می‌آیند (توسلی ۱۳۸۶) که اهداف جامعه را پذیرفته، ولی ابزار دستیابی به آن را در اختیار نداشته و ازین رو به طرق دیگری در پی دستیابی به اهداف فرهنگی جامعه برآمده‌اند.

تحلیل کلی علل و شرایطی که زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان در رابطه با مسئله انتقال چمدانی ذکر کرده‌اند، اعم از نبود فرصت شغلی، عدم رسیدگی به اقشار محروم، نیاز مالی، مشکلات شخصی و خانوادگی، تخلفات گمرک و راه‌آهن، فساد اداری و دولتی، همگی حاکی از وجود نوعی اجبار است. در واقع روی دیگر این اجبار، ناآزادی مطرح‌شده از طرف آمرتیا سن است. براساس این دیدگاه در تحلیل پدیده انتقال چمدانی می‌توان گفت، وجود هر نوع ناآزادی با منافع گروه‌هایی اندک و زیان اکثر مردم همراه است. در چنین شرایطی، عملکرد غیررقابتی و ناآزاد و از طرف دیگر اعمال نفوذ و قدرت سیاسی، با وجود محدودیت‌های داخلی و خارجی، سبب ایجاد انحصار می‌شود. روندی که تنها نتیجه آن تأمین منافع گروه‌های ذی‌نفوذ و تضییع منافع اکثریت افراد جامعه است. از طرف دیگر، عدم وجود آزادی فرصت‌های اقتصادی سبب می‌شود افراد جامعه نتوانند به فعالیت‌های اقتصادی مناسب بپردازند و از روی اجبار، اقدام به انتقال چمدانی کنند (سن ۱۳۸۳).

فساد اداری و دولتی از دیگر شرایطی است که به‌عنوان زمینه ایجادکننده انتقال چمدانی ذکر شده. زنان سرپرست خانوار که با بیکاری و نیاز مالی مواجهند، بارها به‌علت عدم رسیدگی به اقشار محروم و فساد اقتصادی گسترده کشور از جامعه و دولت انتقاد کرده‌اند. آنان که خود را در تأمین نیازهای اولیه زندگی تنها می‌بینند، نسبت به دولت بی‌اعتماد و نسبت به جامعه بدبین می‌شوند. از این‌رو در پی سهم‌خواهی خود از جامعه، دیگر برای منافع عمومی ارزشی قائل نیستند و تنها به تأمین منافع شخصی از طریق انتقال چمدانی می‌اندیشند. شرایط فوق به مفهوم "انومی" در رویکرد بی‌هنجاری اجتماعی دورکیم شباهت دارد. وی معتقد است که همواره در جوامع یکسری هنجارهای اخلاقی برای تنظیم و هدایت رفتار کنشگران وجود دارد، اما تحت شرایط خاصی نظیر بحران‌های اقتصادی، این هنجارها جنبه کنترل و تنظیم‌کنندگی خود را از دست می‌دهند و افراد جامعه منفعت شخصی خود را از منافع عمومی جدا دانسته، این امر زمینه را برای رفتارهای انحرافی آماده می‌کند (گیدنز ۱۳۸۷).

زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان مطلع، به‌کرات تعامل بیکاری، فقر و عدم رسیدگی به اقشار محروم را عامل ایجاد انتقال چمدانی ذکر کرده‌اند. آنان ادعان داشته‌اند که مناطق مرزی، به‌ویژه قشم، بستر مساعدی برای قانون‌گریزی را فراهم کرده که انتقال چمدانی تنها یکی از موارد آن است. علاوه بر آن، عدم امنیت اخلاقی، رونق تن‌فروشی در قشم که زمینه مساعد مسائل غیراخلاقی در فعالیت انتقال چمدانی را ایجاد کرده است، از ویژگی‌های توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی است که در دیدگاه سیفاللهی، به‌عنوان توسعه ناموزون (سیفاللهی ۱۳۸۱) و در نظریه هانسن (Hansen 1978)، به‌عنوان مناطق مرکزی-مرزی از آن یاد می‌شود.

در مدل زمینه‌ای نشان داده شد که چگونه تعامل شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، در یک برآیند کلی به ظهور پدیده پیش‌بینی نشده و ناخواسته انتقال چمدانی می‌انجامد. در ادامه مدل نیز، پیامدهای مثبت و منفی اخلاقی این پدیده خود ظهور آورده شد؛ این پیامدها عبارت‌اند از: استفاده ابزاری از روابط نامشروع، عدم پایبندی به اصول اخلاقی، بروز مسائل اخلاقی، قضاوت نادرست درباره همه زنان

انتقال‌دهنده، پایبندی به اصول اخلاقی و حفظ زندگی آبرومندانانه. همان‌طور که واضح است توامان بودن منافع و معایب انتقال چمدانی ویژگی بارز پیامدهای این پدیده است. موارد ذکرشده در رابطه با پیامدهای کارکردی و غیرکارکردی پدیده خودروی انتقال چمدانی، در ذیل بحث انواع کارکرد آشکار، پنهان، مثبت و منفی مرتون می‌گنجد (ترنر ۱۳۷۲) (ریترز ۱۳۸۶). در این پژوهش برخلاف تحقیقات دیگر در زمینه قاچاق که تنها بر پیامدهای سوء قاچاق تأکید داشته‌اند، سعی شده تا کارکردها و پیامدهای مثبت انتقال چمدانی نیز از نگاه کنشگران مد نظر قرار گیرند. براساس تفسیر و ارزیابی آنان، انتقال چمدانی اگرچه نسبت ایجاد مسائل اخلاقی کژکارکرد دارد، ولی نسبت به خوداشتغالی و حفظ زندگی آبرومندانانه زنان سرپرست خانوار، کارکرد پنهان و مثبت داشته است.

تعامل و برهم‌کنش حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ویژگی بارز پدیده انتقال چمدانی است؛ این مدل چگونگی تأثیر عواملی همچون نبود فرصت شغلی و نیاز مالی، مشکلات روحی و خانوادگی، فساد اداری و دولتی را در ایجاد مسئله اقتصادی انتقال چمدانی، به‌وضوح نشان می‌دهد. علاوه‌بر آن ادامه مدل، نشان‌دهنده پیامدهای اخلاقی یک پدیده اقتصادی است، این برهم‌کنشی سطوح اقتصادی و اجتماعی در شکل‌گیری مسئله انتقال چمدانی و انتقال پیامدهای آن از سطحی به سطح دیگر، یادآور نظریه ساختی-کارکردی و خرده‌نظام‌های پارسونز است (استونز ۱۳۸۷) (کرایب ۱۳۷۸). از نگاه وی، بعد از به‌وجود آمدن بحران و برهم‌خوردن تعادل نظام، بحران از خرده‌نظامی به خرده‌نظامی دیگر منتقل می‌شود، ولی در نهایت کل نظام بحران را در خود حل می‌کند و به تعادلی جدید دست می‌یابد. در خصوص مسئله انتقال چمدانی نیز وضع به همین منوال است، به این معنا که این پدیده به دلایلی بروز می‌کند و بحران ناشی از آن از خرده‌نظام اقتصادی به خرده‌نظام فرهنگی منتقل می‌شود و تعادل کل نظام جامعه را برهم می‌زند، ولی برخلاف پیش‌بینی وی، در نهایت جامعه همچنان با معضلی دست‌وپنجه نرم می‌کند که حل‌نشده باقی مانده است، درحالی‌که تعادلی جدید و سالم شکل نمی‌گیرد و اگر در ظاهر چرخه‌ای از روابط بین خرده‌نظام‌ها و تعادلی در کل نظام وجود دارد، روابط و تعادلی نابه‌هنجار و بیمارگونه است.

علل و شرایط تأثیرگذار بر انتقال چمدانی ذکرشده در مدل نهایی تحقیق، درونی و از نگاه زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان ارزیابی و بیان شده‌اند، اما تمامی شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای ذکرشده، در یک برهم‌کنش متقابل می‌توانند متأثر از علل بیرونی و جهانی نیز باشد. از این‌رو، زمانی که درباره تحلیل و نتایج به‌دست آمده یک ارزیابی کلی انجام شود و با یک دید کلی به مدل زمینه‌ای نهایی نگریسته شود، بستر گسترده‌تری به ذهن متبادر می‌شود که شرایط پدیدآمدن این مدل را فراهم کرده است. نابرابری و بی‌عدالتی در بین کشورها، روابط استثماری نظام سرمایه‌داری، وجود زنجیره کالا و گسترش آن در ورای مرزها و نفوذ رسانه‌های تبلیغاتی که فرهنگ روابط اجتماعی و اخلاقی جهان را تحت تأثیر قرار داده است. از علل بیرونی انتقال چمدانی و در امتداد آن بروز مسائل اخلاقی آن هستند؛ مسائلی که اگرچه در این پژوهش بدان پرداخته نشده، تأثیر آن بر فرآیند انتقال چمدانی کاملاً

محسوس است. این رشته علت و معلول‌های بیرونی به وسیله مکتب وابستگی و نظریات فرانک و همچنین نظام جهانی مرکز پیرامون والرشتاین قابل تبیین است (پیت و هارتویک ۱۳۸۹؛ Taylor 1994).

منابع

- [۱] آرون، ریمون (۱۳۷۲). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- [۲] آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چ ششم، تهران: سروش.
- [۳] استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۴] استونز، راب (۱۳۸۷). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، چ پنجم، تهران: مرکز.
- [۵] اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲). *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران، تهران: سفیر.
- [۶] بلیک‌مور، کن (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی*، ترجمه علی اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- [۷] بیابانی، غلامحسین و کمال هادیان‌فر (۱۳۸۶). *فرهنگ توصیفی علوم جنایی*، تهران: کارآگاه.
- [۸] پیت، ریچارد و هارتویک، الین (۱۳۸۹). *نظریه‌های توسعه*، ترجمه مصطفی ازکیا و رضا صفری شالی و اسماعیل رحمان‌پور. چ دوم، تهران: لویه.
- [۹] ترنر، جانانان (۱۳۷۲). *ساخت نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: نوید.
- [۱۰] تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۴). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، گناباد: مرنديز.
- [۱۱] توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چ سیزدهم، تهران: سمت.
- [۱۲] چیلکوت، رونالد (۱۳۷۵). *نظریات توسعه و توسعه‌نیافتگی*، ترجمه احمد ساعی، تهران: علوم نوین.
- [۱۳] خدنگ، حسین (۱۳۹۴). *روزنامه تجارت*، کد خبر: ۱۴۰۸، <http://tejaratonline.ir/fa/news>.
- [۱۴] رحمانی خلیلی، احسان؛ شکر بیگی، عالییه؛ کرمخانی، شایسته (۱۳۹۹). «تحلیل تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار از زلزله استان کرمانشاه»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، ش ۳، صص ۴۳۱-۴۶۲.
- [۱۵] رومینا، ابراهیم (۱۳۹۳). «تبیین نظری قاجاق کالای ورودی و مدیریت آن در کشورها»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال دهم ۱۰، شماره ۱.
- [۱۶] ریتزر، جرج (۱۳۸۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چ دوازدهم، تهران: علمی.
- [۱۷] ستاد مبارزه با قاچاق کالا (۱۳۹۸). *مکاتبه* ۱۲۹۷۰.
- [۱۸] سن، آمارتیا (۱۳۸۳). *توسعه یعنی آزادی*، ترجمه محمدسعید نوری، تهران: نی.
- [۱۹] سیف‌الله، مراد (۱۳۸۵). *قاجاق کالا در ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- [۲۰] سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: پژوهان سینا.
- [۲۱] -----، حافظ امینی، حمیرا (۱۳۸۸). «برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی و تأثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران»، *فصلنامه نامۀ علوم اجتماعی*، سال ۳، شماره ۲.

- [۲۲] عندلیب، علیرضا (۱۳۷۹). «آمایش مناطق مرزی»، رساله دکتری منتشر نشده رشته شهرسازی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
- [۲۳] فلیک، یو (۱۳۸۵). *درآمدی بر پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی*، ترجمه عبدالرسول جمشیدیان و دیگران، قم: سماق.
- [۲۴] کامران، حسن (۱۳۸۱). «علل توسعه نیافتگی مناطق آزاد ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۶۵-۶۶، صص ۴۲-۳۲.
- [۲۵] کرایب، یان (۱۳۷۸). *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخیر، تهران: آگاه.
- [۲۶] کریمی پور، یدالله؛ محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۳). «سد نفوذ قاچاق کالا از واقعیت تا رؤیا پژوهش میدانی در محدوده استان هرمزگان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۷۳، صص ۲۱۱-۲۴۱.
- [۲۷] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چ پنجم، تهران: نی.
- [۲۸] محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۲۹] مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.
- [۳۰] معنایی، معصومه (۱۳۸۳). «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به کار واسطه‌گری و قاچاق کالا و پیامدهای اجتماعی فرهنگی آن»، امور بانوان استانداری هرمزگان، بندرعباس.
- [۳۱] معیدفر، سعید؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶). «زنان سرپرست خانوار: ناگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی، نامه‌های علوم اجتماعی»، دوره ۱۵، شماره ۳۲، صص ۱۳۱-۱۵۸.
- [۳۲] نمک‌شناس، رضا (۱۳۸۳). «بررسی پدیده قاچاق کالا و سوخت در استان سیستان و بلوچستان»، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- [۳۳] هندوست، عطیه؛ زارعی، معصومه؛ زارعان، منصوره (۱۳۹۷). «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ش ۲، صص ۳۱۹-۳۳۸.
- [34] Connolly, Michael & John Deveraus & Mariluz Cortes (1995). The Transshipment Problem: Smuggling and Welfare in Paraguay, World Development, No. 23(6), Pp. 975-985. 35. Hansen, Niles H. (1978). Border Regions: A Critique of Spatial Theory and an European Case Study; Human Settlement Systems: International Perspectives on Structure Change and Public Policy, Ballinger Publication Co., pp. 246-261 Cambridge, UK.
- [36] Margaret Niger-Thomas. (2014) Women and the Arts of Smuggling. African Studies Review, Vol. 44, No. 2
- [37] Taylor, Peter J. (1994). Political Geography, England: Longman Scientific & Technical, The Quarterly Journal of Economics, Vol. 92 (3), Pp. 509-514.